



## شناسایی زمینه‌های پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی بشردوستانه بر اساس تحلیل تماتیک و الگوی بازنمایی سیستمی

الهام آب شیرینی<sup>۱</sup>، ولی خدادادی<sup>۲\*</sup>، سعید نصیری<sup>۳</sup>، نادر خدری<sup>۴</sup>

**چکیده:** هدف این مطالعه ارائه چارچوب ساختار حاکمیت شرکتی بشردوستانه و بازنمایی سیستمی کارکردهای آن در شرکت‌های بازار سرمایه می‌باشد. این مطالعه از نظر روش شناسی اکتشافی و به لحاظ تحلیلی ترکیبی قلمداد می‌شود. زیرا بدلیل فقدان چارچوب منسجم در خصوص ساختار حاکمیت بشردوستانه، این مطالعه از طریق تحلیل تماتیک نسبت به شناسایی مضامین مطالعه، در بازه زمانی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ اقدام نمود. سپس با استفاده از تحلیل دلفی فازی، پایایی ابعاد شناسایی شده مورد تحلیل قرار گرفت تا در نهایت در بخش کمی، جهت تبیین مضامین سازمان دهنده‌ی شناسایی شده در بستر کارکردهای شرکت‌های بازار سرمایه از تحلیل بازنمایی سیستمی بهره برده شد. در این مطالعه باتوجه به نقطه اشباع تئوریک در تحلیل تماتیک، ۱۲ نفر از خبرگان حسابداری مشارکت داشتند و در بخش کمی نیز ۲۴ نفر از اعضای هیئت مدیره دارای بیش از سه سال سابقه حرفه‌ای که تجربه و دانش تخصصی لازم را داشتند، اقدام به مشارکت نمودند. نتایج مطالعه در بخش کیفی طی ۱۲ مصاحبه انجام شده از وجود ۳ مضمون فراگیر و ۶ مضمون سازمان دهنده و ۳۶ مضمون پایه حکایت دارد. از طرف دیگر نتایج بازنمایی سیستمی به عنوان تحلیل بخش کمی نشان داد، ساختار حاکمیت شبکه‌گرایانه در حاکمیت بشردوستانه محرک‌آمیزترین تغییر ساختاری شرکت‌های بازار سرمایه برای ارتقاء سطح مشروعیت و اعتماد اجتماعی تلقی می‌شود که می‌تواند دو پیامد حاکمیت جمع‌سالارانه و حاکمیت شایسته‌سالارانه به عنوان ساختار حاکمیت بشردوستانه را در پی داشته باشد. نتیجه کسب شده نشان می‌دهد، تمرکز بر حاکمیت شبکه‌گرایانه، به عنوان محرک سیستمی ساختار حاکمیت بشردوستانه، می‌تواند زمینه‌ی تعامل شرکت با ذینفعان را گسترده‌تر نماید و شرکت به واسطه‌ی پایبندی بیشتر به ارزش‌های اجتماعی، از ظرفیت‌های بالاتری برای تأمین منابع مالی مورد نیاز خود برخوردار باشد.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۲. دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.

۳. استادیار گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۴. استادیار گروه حسابداری، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

e.abshirini@gmail.com

vk201349@gmail.com

saeed-nasiri@iauhvaz.ac.ir

khedri42@yahoo.com

**کلید واژه‌ها:** حاکمیت بشردوستانه؛ مشروعیت حسابداری، تحلیل تماتیک؛ بازنمایی سیستمی، ارزش‌های اجتماعی

### ۱. مقدمه

یکی از مهمترین تغییرات در شیوهی حاکمیتی شرکت‌ها به ویژه در عصر رقابت تجاری در سطح بازارها، حرکت به سمت نوع دوستی یا بشردوستی حاکمیتی<sup>۱</sup> به عنوان بخشی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌باشد که می‌تواند اعتبار شرکت‌ها را به پایداری بیشتر منتج نماید (چیه<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳). شرکت‌ها با تغییر ساختار حاکمیتی خود از شیوهی اداره کلاسیک به بشردوستی در واقع به دنبال انتقال داوطلبانه و غیرشرطی پول نقد یا سایر منابع برای اهداف عمومی؛ حفظ کیفیت تعامل با ذینفعان؛ کاهش محدودیت‌های سرمایه‌ای و از همه مهمتر ارتقاء مشروعیت می‌باشند (بوئسو و کربیونی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸). در واقع حاکمیت بشردوستانه از طریق ادراک مبتنی بر رعایت حقوق ذینفعان که طیفی از گروه‌های مرتبط با شرکت را در بر می‌گیرد به دنبال اهتمام ورزیدن به حفظ منافع دیگران در کنار منافع خود در یک بازار رقابتی می‌باشد تا با کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه زمینه‌ی کاهش هزینه‌های نمایندگی را توسعه بخشد (تسابالا<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱). به عبارت دیگر این رویکرد در عصر رقابتی امروز باعث می‌شود تا رفتارهای سوء مدیریتی کاهش یابد و شرکت چشم‌اندازهای پایدارتری از مراددهی اثربخش‌تر با ذینفعان در سطح بازار ترسیم نماید.

اما مسئله‌ای که وجود دارد، برای هر تغییری در شیوهی حاکمیتی شرکت‌ها، لازم است تا ساختار اداره‌ی آن تغییر نماید تا از این طریق امکان وسعت‌بخشیدن به نظارت‌های اثربخش بر کارکردهای عملکردی شرکت‌ها تقویت گردد (سحری و پورزمانی، ۱۴۰۱). زیرا توسعه‌ی بشردوستی باتوجه به تغییر فضای سازمان، سطح ارزش‌گرایی‌های اخلاقی را براساس فرهنگ غالب سازمان ارتقاء می‌بخشد و جوّی مبتنی بر تکریم و اخلاق را ایجاد می‌نماید (خدایمی و گلپایگانی، ۱۳۹۹). تغییر ساختار حاکمیت شرکتی با هدف ارتقاء بشردوستی، تحولی در شیوهی تفکر و اصطلاحاً «دی‌ان‌ای»<sup>۵</sup> رویکرد نظارت جهت حفاظت از حقوق ذینفعان تلقی می‌شود که در پرتو اخلاق‌گرایی سازمانی می‌تواند الگویی از فرهنگ تعامل‌پذیری را در درون و بیرون شرکت پدید آورد و پیامدهایی همچون اعتماد و اطمینان‌پذیری متقابل را در سطح بازارهایی همچون بازار سرمایه تقویت نماید. لذا همانطور که ایکن‌بری<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) به عنوان یکی از نخستین محققان این عرصه مطرح نمود، تغییر ساختار حاکمیتی شرکت‌ها به بشردوستی به دلیل تقویت خط‌مشی‌های نظارتی و شیوه‌های

مدیریتی شرکت، مانع از فرصت‌طلبی مدیران و عمیق‌تر شدن شکاف هزینه‌های نمایندگی و تقارن اطلاعاتی می‌گردد. از طرف دیگر، وزگر و همکاران ۷ (۲۰۱۶) این شیوه از تغییر حاکمیتی شرکتی را مبنایی برای همسویی شرکت با ارزش‌های نهادینه‌شده در بسترهای اجتماعی تلقی می‌نمایند که به ایجاد فرهنگ غالب در کارکردهای تعامل‌پذیری شرکت با ذینفعان احتمالاً مشروعیت بیشتر را برای شرکت در آینده رقم خواهد زد. آنانزی و همکاران ۸ (۲۰۲۲) با اشاره به سرآغاز ورود این رویکرد به عرصه اداری امور پس از جنگ جهانی دوم، بیان می‌نمایند، که بشردوستی حاکمیتی، یک استراتژی مسئولیت اجتماعی فراگیر است که با پوشش طیف وسیعی از فعالیت‌های مبتنی بر حقوق بشر؛ حفاظت از محیط‌زیست؛ رعایت حقوق اقلیت‌ها؛ توازن حقوق منابع انسانی و بسیاری از فعالیت‌هایی که مجموعه‌ای از ارزش‌های اجتماعی و فردی را مدنظر قرار می‌دهد، به دنبال تحکیم جایگاه اجتماعی شرکت‌ها به منظور دستیابی به مشروعیت بالاتر می‌باشند. اما سوالی که مطرح می‌باشد این است که چه رویه‌های ساختاری می‌تواند این شیوه از کارکردهای حاکمیتی شرکت‌ها را در سطح شرکت‌های بازار سرمایه تعمیم دهد؟

پاسخ به این سوال در واقع مسئله‌ی مطالعه‌ی حاضر می‌باشد، موضوعی که این پژوهش تلاش دارد تا با غربالگری محتوایی ریشه‌های مشابه این مفهوم در ساختار حاکمیتی همچون بشردوستی سازمانی؛ شهروند شرکتی؛ فرهنگ‌گرایی و مفاهیم مشابه دیگر به یک انسجام نظری در این خصوص دست یابد و نسبت به تعمیم آن به بازار سرمایه از منظر محرک‌ها و پیامدهای سیستمی چنین تغییری در کارکردهای حاکمیت شرکتی ارزیابی لازم را انجام دهد. لذا اهمیت این مطالعه به دلیل نوظهور بودن موضوع مورد بررسی را می‌توان از دو منظر نظری و کاربردی مورد توجه قرار داد.

از منظر تئوریک، باید بیان نمود، مفهوم بشردوستی شرکتی موضوعی است که در چند سال گذشته از نظر استراتژی شرکت‌ها مورد توجه قرار گرفته است، اما کمتر پژوهشی به توسعه این مفهوم در کارکردهای حاکمیت شرکتی پرداخته است. لذا این مطالعه، جزء اولین پژوهش‌هایی می‌باشد که به دنبال ارائه‌ی چارچوب بشردوستی حاکمیتی در سطح شرکت‌های بازار سرمایه است و از طریق شناسایی گزاره‌های تغییر ساختار حاکمیتی به دنبال تقویت و تحکیم اثربخشی مکانیزم‌های راهبری شرکتی می‌باشد. به طور مصداقی باید بیان نمود، اگرچه ارجاع به پژوهش‌هایی همچون آبی‌بی و چا ۹ (۲۰۱۸)؛ یو ۱۰ (۲۰۲۰) و ژئو و همکاران ۱۱ (۲۰۲۲) و برخی پژوهش‌های دیگر حکایت از اهمیت بسط رویکرد بشردوستی در کارکردهای شرکت‌ها دارد، اما همانطور که

مشخص است هیچ پژوهشی نسبت به ارائه چارچوب مفهومی بشردوستی حاکمیتی اقدام ننموده است.

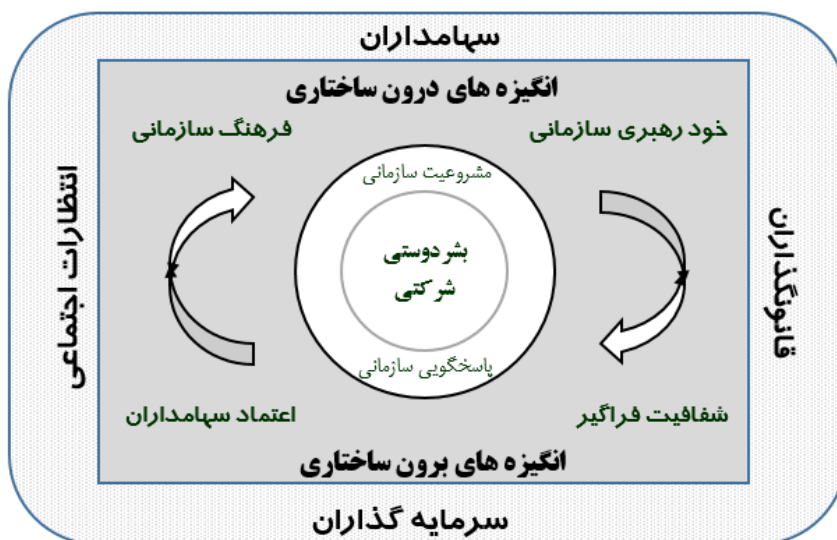
از منظر کاربردی نیز باید بیان شود، اگرچه در قانون تجارت بر رعایت حقوق سهامداران و احقاق منافع آنان در مواد ۳۷ و ۳۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (ل.ا.ق.ت) مصوب سال ۱۳۷۴ تأکید شده است، اما وجود نابرابری‌ها و تبعیض منافع در ساختارهای حاکمیتی در بازار سرمایه ایران نشان می‌دهد که نیاز مبرمی به توسعه این مفهوم در کارکردهای حاکمیت شرکتی احساس می‌شود. از طرف دیگر اگرچه نقش و مسئولیت هیئت‌مدیره و وظایف آن‌ها طبق مواد ۶ تا ۷۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مورد توجه بوده است، اما در عمل حقوق تکلیف شده سهامداران در قانون همچون؛ حق دریافت اندوخته‌ی قابل تقسیم شرکت؛ حق رأی در مجامع و سایر حقوق اثرگذار سهامداران نسبت به آگاهی از وضعیت شرکت در دوره‌های مختلف به خوبی به اجرا در نمی‌آید (نوابی‌مقدم و همکاران، ۱۴۰۰) و تغییر رویکرد حاکمیت شرکتی در پایبندی به حوزه‌های بشردوستی می‌تواند به ترویج ارزش‌های اخلاقی در پیگیری حقوق سهامداران و شهروندان در بسترهای اجتماعی منجر شود. لذا باتوجه به توضیح‌های ارائه شده، هدف این پژوهش شناسایی زمینه‌های حاکمیت بشردوستانه و ارزیابی آن در بستر کارکردهای شرکت‌های بازار سرمایه به صورت سیستمی می‌باشد. با درک ماهیت این مطالعه، در ادامه و در بخش دوم، مبانی نظری به همراه پیشینه پژوهش تجربی ارائه می‌شود تا ضمن ارتقاء مفاهیم مرتبط به مطالعه، شکاف ناشی از عدم فراگیری پدیده‌ی مورد بررسی در دانش حسابداری و حاکمیت شرکتی ملموس‌تر شود. سپس در بخش سوم اقدام به ارائه‌ی روش شناسی می‌شود تا به تسهیل فرآیندهای تحلیل در بخش چهارم مطالعه کمک نماید. در نهایت نیز در بخش آخر مطالعه اقدام به ارائه بحث و نتیجه‌گیری می‌شود.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بشردوستی حاکمیت شرکتی دربرگیرنده فرهنگی غالبی است که زمینه لازم برای توسعه‌ی پایدار منظم و هدفمند را جهت بهبود خدمت‌رسانی و کسب منافع برد-برد ۱۲ بین شهروندان درونی به عنوان منابع انسانی با شهروندان بیرونی به عنوان سهامداران و سرمایه‌گذاران مهیا می‌کنند. این موضوع مؤید نوعی فرهنگ متوازن و متمدانه‌ی شرکت، در رعایت حقوق ذینفعان است که احتمالاً اثربخشی مکانیزم‌های راهبری شرکتی را به همراه داشته باشد (چای و

همکاران ۱۳، ۲۰۲۲). بسیاری از معضلاتی همچون، عدم تقارن اطلاعاتی؛ منفعت‌طلبی رفتاری مدیران و غیره می‌تواند از نموده‌های دوری از بشردوستی در ساختارهای حاکمیتی شرکت‌ها باشد. به عبارت دیگر، رفتارهای خارج از مدنیت در شرکت‌ها، به دلیل رعایت نکردن حقوق فردی و جمعی در روابط درون ساختاری فی مابین شرکت با منابع انسانی و برون شرکتی با سهامداران و سرمایه‌گذاران، می‌تواند زمینه‌ساز ترویج رفتارهای منفی و مخرب در شرکت‌ها باشد و سبب گردد تا عمق شکاف هزینه‌های نمایندگی بیشتر و بیشتر گردد (ناکاماکا و همکاران ۱۴، ۲۰۱۸). طراحی و تدوین الگوهای مؤثر برای بهبود مدنیت و رفتارهای توأم با بشردوستی جهت حفاظت از منافع سهامداران، این امکان را در اختیار شرکت‌ها قرار می‌دهد که برای بهبود شاخص‌های بهره‌وری در جذب نقدینگی به واسطه‌ی تقویت اعتماد سهامداران و سرمایه‌گذاران، موفقیت‌های چشمگیری را به دست آورند. جو و ارزش‌های منبعث از چنین ساختارهای یکپارچه‌ای از منظر ترویج ارزش‌های اخلاقی، شرکت را به یک شرکت پایبند به اصول اخلاقی بدل می‌نماید و زمینه‌ی کاهش تعارضات بین شرکت با سهامداران و سرمایه‌گذاران را محقق می‌کند (گرین و همکاران ۱۵، ۲۰۱۳).

بنابراین بدون توجه به مفهوم بشردوستی حاکمیتی نمی‌توان به توسعه پایدار به ویژه در حوزه‌های اخلاق؛ معنویت و مدنیت نگاه سیستمی داشت و در این وضعیت جو شرکت، دچار فرسایش ارزش‌گرایی اخلاقی می‌شود و روابط اجتماعی نامناسب نسبت به حفاظت از منافع سهامداران به دلیل ترویج کج اخلاقی‌هایی همچون مدیریت سود؛ اجتناب مالیاتی؛ عدم انعکاس اخبار به موقع و ... افزایش بی‌اعتمادی به شرکت‌ها را در بر خواهد داشت (زرین‌نگار و همکاران، ۱۳۹۷). بی‌شک رفتارهای منفی با سرشت و هدف‌گایی شرکت‌های دارای ساختار نمایندگی همخوانی ندارد و می‌تواند به تداوم نگرش‌های منفی سرمایه‌گذاران، به شرکت‌های بازار سرمایه منجر شود. کیو و همکاران ۱۶ (۲۰۲۲) در قالب یک چارچوب سیستماتیک نسبت به بسط بشردوستی شرکتی اقدام نمودند.



شکل ۱. سیکل بشر دوستی حاکمیت شرکتی در تعامل با ذینفعان

همانطور که در شکل (۱) مشاهده می‌شود، چهار گروه از ذینفعان تحت تأثیر حاکمیت بشردوستانه قرار می‌گیرد که در گام اول با تقویت انگیزه‌های درون ساختاری، سطح فرهنگ سازمانی و خود رهبری در برابر وظایف مورد تصدی را ارتقاء می‌بخشد و در گام بعدی با افزایش سطح شفافیت‌ها و کارکردهای اثربخش در جهت بازخورد تصمیم‌های شرکت به ذینفعان علی‌الخصوص سهامداران خود، ضمن بیان حمایت از منافع آنان، به ایجاد یک فرهنگ شفاف در بازار رقابتی کمک می‌نماید تا براین اساس، جذابیت‌های سرمایه‌گذاری به واسطه‌ی تقویت اعتماد و اطمینان نسبت به بازار سرمایه افزایش یابد (کوثر و شارما، ۱۷، ۲۰۱۴). به عبارت دیگر، وجود رویکردهای بشر دوستی در راهبری شرکتی باعث خواهد شد تا حقوق سهامداران حتی سهامداران خرد نیز مورد توجه باشد و با انعکاس واقعیت‌ها به آن‌ها برای پیشبرد اهداف و استراتژی‌های شرکت، پاسخگویی و مشروعیت، به عنوان هسته‌ی مرکزی این رویکرد، محقق می‌گردد. زیرا سهامداران صاحبان اصلی شرکت هستند و نظام راهبری شرکتی پویا قادر خواهد بود تا با توسعه نظارت‌های اثربخش از طریق بشردوستی حاکمیتی، سطح نیازها و انتظارات آنان را برآورده نماید (شفیع‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷). با ارجاع به سند چشم‌انداز بیست ساله و همچنین ابلاغ سیاست‌های کلی با اهدافی همچون شاخص‌های اقتصادی؛ اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی

کشور؛ گسترش و تعمیق نظام جام تامین مالی و گسترش سهم بازار سرمایه می‌توان نقش بشردوستی حاکمیتی در ضرورت توجه به حقوق سرمایه‌گذاران را مهم تلقی نمود و از آن به عنوان یکی از پیامدهای مهم توسعه بازار سرمایه به منظور پایداری اقتصاد یاد نمود تا با توسعه راهکارهایی در سطح راهبری شرکتی، سطح حفاظت‌پذیری از منافع سهامداران تقویت گردد. باتوجه به توضیح‌های داده شده، سوال‌های زیر برای انجام فرآیندهای تحلیل ارائه می‌شود:

سوال اول پژوهش) زمینه‌های حاکمیت بشردوستانه‌ی شرکت‌های بازار سرمایه کدامند؟  
سوال دوم پژوهش) محرک‌ها و پیامدهای گزاره‌های زمینه‌ای حاکمیت بشردوستانه‌ی شرکت‌های بازار سرمایه کدامند؟

شیوه‌ی تدوین سوال‌های پژوهش نشان دهنده‌ی این موضوع است که، سوال اول براساس تحلیل بخش کیفی و سوال دوم براساس تحلیل بخش کمی در این مطالعه مورد توجه قرار می‌گیرد.

## ۲-۱. پیشینه پژوهش

چا و همکاران ۱۸ (۲۰۲۳) مطالعه‌ای با عنوان «بشردوستی شرکتی و عملکرد شرکت: نقش استراتژی‌های شرکتی» انجام دادند. نتایج مطالعه نشان داد، بشردوستی شرکتی عاملی برای تقویت اثربخشی عملکردهای شرکت‌های تجاری مورد بررسی است. همچنین وضعیت استراتژیک بازارهای جهانی به عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده می‌تواند تأثیر بشردوستی شرکتی بر عملکردهای شرکت‌ها را تشدید نماید. الیاس و همکاران ۱۹ (۲۰۲۳) مطالعه‌ای با عنوان «حمایت سازمانی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی/بشردوستانه‌ی ادراک شده و بهزیستی ذهنی: نقش رهبری اخلاقی» انجام دادند. یافته‌های این مطالعه به طور کامل از چارچوب مفهومی حمایت می‌کند، و نشان می‌دهد که رهبری اخلاقی به طور مثبت بر بهزیستی ذهنی افراد تأثیر می‌گذارد. بوئسو و کربیونی (۲۰۱۸) مطالعه‌ای با عنوان «بشردوستی استراتژیک در حاکمیت: دیدگاه اعضای هیئت مدیره» انجام دادند. نتایج نشان داد، مهمترین مزیت تقویت حاکمیت شرکتی براساس رویکرد بشردوستی، توسعه و تقویت ارزش‌های اجتماعی همچون پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها در برابر ذینفعان می‌باشد. صادق و همکاران (۱۴۰۲) مطالعه‌ای با عنوان «نقش حاکمیت شرکتی بر موفقیت سرمایه‌گذاری‌های مشترک بین‌المللی» انجام دادند. نتایج مطالعه با استفاده از روش مرور نظام‌مند، ۴۰۰ پژوهش را مورد بررسی قرار داد، که از میان آنها، ۶۰ مقاله عمیقاً بررسی گردیدند. در نهایت

۳ عامل متجلی در قرارداد همکاری و مؤثر بر بهبود بهره‌وری و عملکرد و همچنین ۵ عامل که به‌طور مستقیم بر این مقوله تأثیر دارند، به همراه تبیین نحوه نقش‌آفرینی مجموعه این عوامل بر عملکرد نوآورانه در این تشکل‌ها، شناسایی شدند. اشرفی و عباسی (۱۴۰۱) مطالعه‌ای با عنوان «رفتار بشردوستانه شرکت و کارایی سرمایه‌گذاری» انجام دادند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است بین بشردوستی شرکتی و کارایی سرمایه‌گذاری رابطه‌ی مثبت وجود دارد. علاوه بر این، رابطه مثبت میان بشردوستی و کارایی سرمایه‌گذاری زمانی قوی‌تر است که شرکت در یک محیط سازمانی بهتر قرار گیرد. مدهوش و همکاران (۱۴۰۱) مطالعه‌ای با عنوان «آینده پژوهی حسابداری حقوق بشر: رویکرد تحلیل سناریو» انجام دادند. نتیجه کسب شده در این مطالعه نشان می‌دهد با ارتقاء سطح شناخت، سناریوهای آتی در حوزه حقوق بشر، می‌توان انتظار داشت دانش حسابداری به تقویت توسعه پایدار نظام بازار سرمایه کمک نماید و با فراهم آوردن بسترهای تقارن و توازن اطلاعات بین ذینفعان، ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری مطمئن در این بازار افزایش یابد. سحری و پورزمانی (۱۴۰۱) مطالعه‌ای با عنوان «تبیین الگوی ویژگی‌های حاکمیت شرکتی با محوریت حسابداری مدیریت استراتژیک و حسابداری مدیریت» انجام دادند. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های حسابداری مدیریت بر مؤلفه‌های حسابداری مدیریت استراتژیک و ویژگی‌های حاکمیت شرکتی تأثیر معناداری دارند. نتایج همچنین نشان داد که مؤلفه‌های حسابداری مدیریت استراتژیک بر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی تأثیر معناداری دارند. تقی‌زاده خانقاه و همکاران (۱۳۹۸) مطالعه‌ای با عنوان «ارتباط بین بشردوستی شرکتی و کارایی سرمایه‌گذاری با تأکید بر مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی» انجام دادند. نتایج نشان داد که بین بشردوستی شرکتی و کارایی سرمایه‌گذاری ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین مشخص شد، که سرمایه‌گذاران نهادی تأثیر مثبتی بر رابطه بشردوستی شرکتی و کارایی سرمایه‌گذاری دارد. به طوری که در محیط نظارتی بالا، اقدامات بشردوستانه منجر به سرمایه‌گذاری مطلوب می‌شود.

مرور پیشینه‌های تجربی مورد بررسی قرار گرفته نشان می‌دهد، هیچ پژوهشی در گذشته نسبت به توسعه مفهوم چارچوب ساختار حاکمیت بشردوستانه اقدام نکرده است و انجام این مطالعه می‌تواند به دانش‌افزایی عرصه‌های عملکردی شرکت‌های بازار سرمایه کمک نماید تا درک منسجم‌تری از ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی در کارکردهای شرکت‌های بازار سرمایه برای دستیابی متعادل‌تر به مشروعیت ایجاد گردد.



### ۳. روش شناسی پژوهش

ماهیت روش شناسی این مطالعه به لحاظ نتیجه، توسعه‌ای محسوب می‌شود، به دلیل اینکه هیچ مطالعه‌ای در گذشته اقدام به ارائه‌ی یک چارچوبی مبتنی بر شناسایی زمینه‌های حاکمیت بشردوستانه‌ی شرکت‌های بازار سرمایه ننموده است، انجام این مطالعه می‌تواند به یکپارچگی مفهومی پدیده مورد بررسی کمک نماید. همچنین این مطالعه بر مبنای هدف، در دسته مطالعه‌های اکتشافی قرار می‌گیرد (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱) که براساس مصاحبه با خبرگان و کدگذاری سه مرحله‌ای به دنبال تعیین مضامین پایه؛ سازمان‌دهنده و فراگیر در راستای بسط ساختار حاکمیت بشردوستانه در سطح شرکت‌های بازار سرمایه می‌باشد. در نهایت نیز از منظر ماهیت جمع‌آوری داده‌ها، باید بیان نمود، این مطالعه ترکیبی از شیوه‌های تحلیل کیفی و کمی است. فلسفه‌ی مطالعه‌ی حاضر براساس تقاطع اراده‌گرایی در فلسفه عالم با ساختارگرایی در فلسفه علم، مبنایی تلقی می‌شود. لذا ماهیت فلسفه‌ی مبنایی در پژوهش، ترکیب رویکرد استقرائی-قیاسی است. در واقع به این دلیل مطالعه‌ی حاضر استقرائی است، که به بررسی پدیده‌ای می‌پردازد که چارچوبی جامع در خصوص ماهیت ساختار حاکمیت بشردوستانه در سطح شرکت‌های بازار سرمایه وجود ندارد و این مطالعه در تلاش برای تقویت و توسعه انسجام نظری در این حوزه می‌باشد. از طرف دیگر این مطالعه قیاسی است، چراکه از طریق یک فرآیند سیستماتیک در پی تعیین محرک‌ها و پیامدهای ابعاد شناسایی شده ساختار حاکمیت بشردوستانه در بستر کارکردهای واقعی بازار سرمایه می‌باشد.

### جامعه آماری و نحوه انتخاب نمونه

همسو با ماهیت تشریح شده در انجام این مطالعه از نظر روش شناسی، برای شناسایی ابعاد زمینه‌ای چارچوب ساختار حاکمیت بشردوستانه در بخش کیفی از مصاحبه استفاده شد تا نسبت به شناسایی مضامین پدیده مورد بررسی، اقدام لازم صورت گیرد. لذا ابتدا تلاش گردید تا جهت رسیدن به مصاحبه شوندگان، معیارهایی به ترتیب زیر ارائه شود:

دارا بودن شناخت مفهومی در حوزه‌های شرکت‌های بازار سرمایه

احاطه کامل به شیوه‌های پژوهش‌های کیفی و آشنایی با روند مصاحبه‌گری و پژوهش‌های

مرتبط با حوزه حاکمیت شرکتی

آشنایی با ماهیت نظارتی عملکردهای حاکمیت شرکتی

بر اساس سه معیار فوق جستجو برای رسیدن به افراد مطلع و متمایل به انجام مصاحبه آغاز گردید. برای این منظور ابتدا پژوهشگران این پژوهش، لیستی از خبرگان پژوهشی در حوزه دانش حسابداری که در دسترس بودند، مشخص نمودند. سپس از طرق مختلف تلاش گردید تا با گزینه‌های اولیه برای انجام فرآیند مصاحبه هماهنگی لازم در خصوص تمایل به انجام مصاحبه و تشریح موضوع پژوهش، صورت گیرد. تعداد تماس‌های اولیه با ۲۸ نفر به عمل آمد و از آن‌ها خواسته شد، تا در صورت تمایل، مقدمات انجام مصاحبه مهیا گردد. از مجموع ارتباطات با افراد، بر اساس مولفه‌هایی همچون مسافت؛ عدم‌آمدگی در رابطه با انجام مصاحبه و عدم‌تمایل، ۱۷ نفر در مرحله اولیه اعلام آمادگی نمودند که باتوجه به نقطه اشباع تئوریک به عنوان فرآیند اتمام مصاحبه‌ها، با ۱۲ نفر از افراد انتخاب شده به عنوان خبرگان دانش حسابداری، مصاحبه در بازه زمانی شش ماه صورت پذیرفت. نکته قابل توجه این است که به منظور انتخاب خبرگان تلاش گردید تا از افرادی استفاده شود که در کنار دانش علمی از شناخت کافی در مورد واقعیت‌های بازار سرمایه برخوردار باشند. لذا بیشتر افراد مشارکت‌کننده یا حسابدار رسمی یا عضو کمیته‌های تخصصی سازمان بورس اوراق بهادار بودند. اشباع تئوریک به عنوان اتمام فرآیند مصاحبه، در مصاحبه‌ی دوازدهم بود به طوریکه طی هشت مصاحبه‌ی اول و کدگذاری باز، تقریباً دسته بندی‌های مرجع انجام شد و از مصاحبه هشتم تا مصاحبه دهم، عموماً کدهای ایجاد شده مشابه کدهای قبلی بودند و از مصاحبه دهم تا دوازدهم، فرآیند مصاحبه باهدف رسیدن به نقطه اشباع تئوریک صورت پذیرفت که در پایان مصاحبه دوازدهم مشخص گردید، کد جدیدی از مصاحبه‌ها ایجاد نمی‌شود. روش نمونه‌گیری در این بخش، نمونه‌گیری نظری بود و در این فرآیند تلاش شد تا انتخاب نمونه‌ها در جهت به وجود آوردن یک نظریه به گونه‌ای انجام گیرد که شناخت نظری در خصوص موضوع مورد مطالعه وجود داشته باشد (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱). تکنیک رسیدن به خبرگان پژوهش، تکنیک دروازبانان اطلاعات ۲۰ بود. در واقع باتوجه به شناسایی خبرگان پژوهش براساس معیارهای تعیین شده، تکنیک حاضر به محقق کمک می‌نمود تا در هماهنگی‌های لازم برای مصاحبه از نفوذ افراد نزدیک به خبرگان، بهره برده شود (جلالی، ۱۳۹۱). جامعه هدف در بخش کمی نیز شامل ۲۴ نفر از اعضای هیئت مدیره دارای بیش از سه سال سابقه حرفه‌ای بود که باتوجه به الزام تحلیل بازنمایی سیستمی در این بخش، این حد از جامعه آماری مورد قبول می‌باشد. به عبارت دیگر باتوجه به اینکه این تحلیل، مبتنی بر تجزیه و تحلیلی سیستمی در سطوحی از پیوندهای درونی مشخص از مشارکت‌کنندگان می‌باشد، می‌بایست براساس معیار

مشخصی همچون تجربه یا دانش تخصصی مشارکت‌کنندگان، انجام می‌گرفت. لذا با اتکاء به حد مطلوب جامعه‌ی آماری بین ۱۵ تا ۲۵ نفر براساس پژوهش‌های پلنت و همکاران (۲۰۱۷)؛ نرث‌کات و مک‌کوی (۲۰۰۴)، در این مطالعه، تعداد ۲۴ نفر به عنوان جامعه هدف انتخاب شدند.

### فرآیند گردآوری داده‌های پژوهش

در این مطالعه در بخش کیفی جهت جمع‌آوری داده‌های مصاحبه با خبرگان حسابداری، از مصاحبه‌های باز و سپس از مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با زمان متوسط یک ساعت استفاده شد. سوالات مصاحبه‌ها شامل موقعیت‌های واقعی بودند که مصاحبه‌شوندگان برحسب تجربه و یا تحصیلات با آن مواجه شده بودند. در آغاز فرآیند پژوهش مصاحبه‌ها عموماً بدون ساختار انجام می‌شد چراکه این موضوع به ایجاد دیدگاه‌های متفاوت در مورد موضوع پژوهش به محقق کمک می‌نمود، اما در مراحل بعدی فرآیند پژوهش، بدلیل معنا پیدا کردن مفاهیم، مصاحبه‌ها به سمت نیمه‌ساختاریافته هدایت شد، تا چارچوب نظری هدفمندی به منظور تولید محتوای اثربخش‌تر ایجاد شود. این کار می‌تواند به کاهش تأثیرگذاری گرایش یا جهت ناشی از تئوری‌های مبتنی بر ادبیات پژوهش در حین گردآوری داده‌ها، کمک شایانی نماید. یکی از مهمترین بخش‌های تحلیل‌های کیفی همچون تحلیل مضمون، اتمام مصاحبه‌ها می‌باشد، که رسیدن به نقطه اشباع به عنوان یک فرآیند و استراتژی در این تحلیل بسیار حائز اهمیت بود. محققان پس از هر مصاحبه شروع به کدگذاری باز و تا حدی کدگذاری انتخابی می‌نمودند تا مفاهیم و اشتراکات‌شان مشخص گردد و بر این اساس در هر مرحله کدهای ایجادشده از مرحله‌ی کدگذاری انتخابی باهم مورد مقایسه قرار می‌گرفتند. چراکه استفاده از مقایسه دائمی سبب کنترل پی‌درپی مفاهیم جدید، بسط و توسعه و مقایسه طبقه‌بندی‌ها و تصمیم‌گیری درباره کافی بودن یا نبودن طبقه‌بندی‌های موجود می‌شود (واستل ۲۳، ۲۰۰۱). در مرحله‌ی کدگذاری انتخابی طبقه‌بندی‌های فرعی و طبقه‌بندی اصلی بر مبنای چارچوب نظری ساخته می‌شوند. سپس در بخش کمی پس از مشخص شدن ابعاد ساختار حاکمیت بشردوستانه از چک لیست‌های ماتریسی برای انجام تحلیل بازنمایی سیستمی استفاده شد. این چک‌لیست به صورت مقایسه زوجی سطر «I» با ستون «J» تدوین می‌شود و از طریق طی نمودن فرآیندهای تحلیلی موردنظر، اقدام به جمع‌آوری داده‌های پژوهش شد. سپس مباحثه با محوریت تعیین محرک‌ها و پیامدهای مربوط به ابعاد مؤثر شناسایی شده ۲۴ (پیوندهای درونی ۲۵) ادامه می‌یابد تا براساس خروجی و ورودی‌های مربوط به تحلیل ماتریسی در نرم‌افزار

متلب، مشخص گردد، هریک از ابعاد شناسایی شده، محرک هستند یا در دسته پیامدهای بازنمایی سیستمی قرار می‌گیرند. مرحله بعدی، پس از چینش مناسب این جعبه مؤلفه‌های پیوند درونی، نشان دادن ارتباط بین آن‌ها با خطوط نمایانگر ارتباط است که این خطوط می‌توانند به دو دسته نمایانگر ارتباط مستقیم و نمایانگر ارتباط غیرمستقیم تقسیم شوند.

### روایی و پایایی پژوهش

از آنجاییکه در بخش کیفی مطالعه‌ی حاضر، نسبت به شناسایی مضامین حاکمیت شرکتی بشردوستانه اقدام شده است، به منظور سنجش اعتبار (پایایی) پژوهش از روش مثلث‌سازی بهره برده شده است. این روش اعتبارسنجی، به واکاوی این مسئله می‌پردازد که آیا کدهای ایجاد شده از اعتبار و اعتماد کافی برخوردار است و مطالعه اصطلاحاً دچار «سوگیری ذاتی ۲۶» نشده است (جانسون و جان ۲۷، ۲۰۰۹). لذا براساس ۴ بعد مثلث‌سازی اعتبار منابع داده‌ها؛ مثلث‌سازی اعتبار محتوایی؛ مثلث‌سازی اعتبار روش تحلیل و مثلث‌سازی اعتبار فرآیند کدگذاری مورد تأیید قرار گرفت. از طرف دیگر، به منظور سنجش اعتبار مضامین شناسایی شده نیز، در بخش کمی از تحلیل دلفی فازی استفاده شد. در واقع برای رسیدن به کفایت نظری در جامعه هدف در باب ابعاد شناسایی شده، تحلیل دلفی کمک نمود تا سطح بکارگیری مفاهیم در بستر مطالعه مورد بررسی قرار گیرد. به منظور سنجش روایی در این مطالعه از نسبت روایی محتوایی لاوشه (۱۹۷۵) استفاده شد. این شاخص در سنجش روایی، براساس سه معیار «ضروری بودن»؛ «تأیید ضروری بودن» و «ضرورتی ندارد» نسبت به سنجش ابعاد شناسایی شده اقدام می‌کند. نتایج ناشی از طی این فرآیند حکایت از تأیید تمامی ابعاد از نظر نسبت روایی محتوایی دارد.

### ۴. یافته‌های پژوهش

باتوجه به ماهیت استقرائی/قیاسی مطالعه حاضر، ابتدا در بخش کیفی از طریق تحلیل مضمون، نسبت به تعیین مضامین اصلی حاکمیت بشردوستانه اقدام می‌شود و در ادامه از طریق تحلیل دلفی فازی ابتدا پایایی ابعاد شناسایی شده مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس براساس تحلیل ماتریس پیوندی نسبت به شناسایی محرک‌ها و پیامدهای چارچوب نظری در بستر کارکردهای شرکت‌های بازار سرمایه اقدام می‌گردد. لذا در گام اول جهت تعیین مضامین مربوط به ساختار حاکمیت بشردوستانه، از تحلیل مضمون (تماتیک) استفاده شد. تحلیل مضمون به عنوان

فرآیند اجرایی تحلیل محتوا محسوب می‌شود که اقدام به تجزیه و تحلیل مبانی و مفاهیم موضوع حاضر از طریق واکاوی محتوایی همزمان در مطالعات مشابه و انجام مصاحبه برای تعیین ابعاد آن می‌نماید. در این مطالعه از نوع شناسی تحلیل مضمون براساس سبک آترید-استرلینگ (۲۰۰۱) بهره برده می‌شود. با پیروی از این روش، مضمون پایه مبین نکته مهمی در متن است و با ترکیب آن‌ها، مضمون سازمان‌دهنده ایجاد می‌شود. مضمون سازمان‌دهنده واسط مضامین فراگیر و پایه شبکه است و مضمون فراگیر در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد. نکته حائز اهمیت این است برای رسیدن به ابعاد ساختار حاکمیت بشردوستانه، می‌بایست از رویکرد استقرایی در تحلیل محتوا استفاده شود که شامل بخش‌های زیر است.

### مرور پژوهش‌ها

در این بخش ابتدا می‌بایست از طریق واکاوی در پژوهش‌های مشابه، ابتدا مضامین فراگیر مرتبط با ساختار حاکمیت بشردوستانه از طریق غربالگری محتوایی مشخص گردد. برای این منظور ابتدا طی سه مرحله اولیه ارزیابی محتوایی؛ عنوان و تحلیل نسبت به تعیین میزان پژوهش‌های مشابه در بازه زمانی ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ اقدام شد. لذا باهدف شناسایی مضامین فراگیری، لیستی از مفاهیمی که در شناسایی پژوهش‌های مشابه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد ابتدا طبق جدول (۳) ارائه شد تا براساس آن نسبت به شناسایی پژوهش‌ها برای تعیین مضامین فراگیر اقدام شود.

### جدول ۳. جستجوی کلمات کلیدی در انتخاب پژوهش‌های مشابه

کلمات کلیدی جستجو در پژوهش‌های خارجی	کلمات کلیدی جستجو در پژوهش‌های داخلی	
Firm's structural design	طراحی ساختاری شرکت	کلید واژگان ساختار حاکمیت بشردوستانه
Competitive strategies	استراتژی رقابتی	
Social Responsibility	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	
Inclusive Culture	فرهنگ فراگیر	
Investor Protection	حفاظت حقوق سرمایه‌گذاران	
Information Sharing	اشتراک اطلاعات	

لذا با عنایت به تعیین کلید واژگان ساختار حاکمیت بشردوستانه در ادامه، به منظور یافتن مطالعه‌های مشابه جهت تعیین مضامین فراگیر از پایگاه‌ها و مراجع پژوهشی بین‌المللی و داخلی

همچون تارگه‌های جهاد دانشگاهی (SID) در ایران؛ پایگاه نشریات کشور (MAGIRAN) ایران؛ انتشارات «Emerald Insight» و انتشارات «Taylor & Francis» در خارج و سایر منابع معتبر، استفاده شد. کلیه منابع اولیه شناسایی شده ۲۰ مورد می‌باشند که پس از چند مرحله فرآیند غربالگری از نظر محتوا، عنوان و تحلیل در نهایت، ۱۰ پژوهش متناسب با محتوا، عنوان و فرآیندهای تحلیلی مورد نظر این پژوهش انتخاب شدند. در این مرحله می‌بایست مفاهیم را براساس مضامین فراگیر تفکیک نمود، تا براساس آن از طریق مصاحبه، مضامین پایه و سازمان دهنده ایجاد شوند. در این تحلیل و به واسطه روش ارزیابی انتقادی با مشارکت خبرگان پژوهش براساس ۱۰ معیار، اقدام به تعیین ابعاد و مضامین گزاره‌ای می‌شود. لازم به توضیح است که ده معیار یاده شده مبنای چک لیست‌های ارزیابی انتقادی در روش غربالگری مضامین فراگیر می‌باشد و براساس دستورالعمل تحلیل استفاده شده است.

جدول ۴. فرآیند ارزیابی پژوهش‌های تأیید شده جهت تعیین مولفه‌های پژوهش

مقاله‌ها	معیارهای ارزیابی انتقادی	اهداف پژوهش	پژوهش	مطلق روش	طرح پژوهش	نمونه برداری	جمع‌آوری داده‌ها	انعکاس‌پذیری	ملاحظات اخلاقی	تحلیل	دقت تجربه و شفاف یافته‌ها	بیان‌تئوریک و شفاف یافته‌ها	ارزش پژوهش	جمع
چا و همکاران (۲۰۲۳)	۳	۴	۴	۵	۴	۴	۴	۳	۴	۳	۳	۳	۳۶	
نزیلا (۲۰۲۲)	۴	۵	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۳	۳	۴	۳۸	
وندی و همکاران (۲۰۲۲)	۳	۲	۴	۴	۳	۳	۳	۴	۳	۴	۳	۳	۳۲	
سیمونز و همکاران (۲۰۲۰)	۳	۳	۳	۳	۲	۲	۳	۲	۳	۲	۲	۳	۲۷	
هریس و تومبی ۳۱ (۲۰۲۰)	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۳۹	
وان و همکاران (۲۰۲۰)	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۴	۳	۳	۳	۳	۳	۳۰	
چیزیما و پوکریبانا ۳۲ (۲۰۱۹)	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۴	۳	۳	۳	۵	۳۳	
آل-آبرو و همکاران (۲۰۱۹)	۴	۵	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴۰	
پیرومند و خورشیدی	۵	۳	۴	۴	۴	۳	۴	۳	۴	۳	۴	۴	۳۷	

مقاله‌ها	معیارهای ارزیابی انتقادی	اهداف پژوهش	منطق روش پژوهش	طرح پژوهش	نمونه برداری	جمع‌آوری داده‌ها	انعکاس‌پذیری	ملاحظات اخلاقی	تحلیل	دقت تجزیه و شفاف یافته‌ها	بیان تئوریک و شفاف	ارزش پژوهش	جمع
(۱۳۹۸)													
زرین‌نگار و همکاران (۱۳۹۷)	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۳	۲	۴	۴	۴	۳۷

براساس نتایج این تحلیل تنها یک پژوهش که امتیاز لازم (بیشتر از ۳۰ امتیاز) را کسب نکرده بود، از دور بررسی خارج شد. در ادامه به منظور تعیین مضامین فراگیر ساختار حاکمیت بشردوستانه از روش امتیازی زیر استفاده می‌شود. بر مبنای این روش کلیه‌ی معیارهای فرعی استخراج شده از متن مقالات تأیید شده، در ستون جدول نوشته می‌شود و سپس در ردیف هر جدول نام محققان پژوهش‌های تأیید شده آورده می‌شود.

جدول ۵. واکاوای مولفه‌های پژوهش

شماره	محققان	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	جمع
۱	مضامین فراگیر	-	✓	-	-	✓	✓	-	-	-	۴
۲	حاکمیت کاربزماتیک‌گرایانه	✓	✓	✓	✓	-	-	-	✓	✓	۶
۳	حاکمیت سیستماتیک‌گرایانه	✓	✓	✓	-	✓	✓	-	✓	✓	۶
۴	حاکمیت شبکه‌گرایانه	-	-	✓	✓	-	-	-	-	-	۲
۵	حاکمیت بوروکراتیک‌گرایانه	-	✓	-	✓	✓	✓	✓	-	✓	۵
۶	حاکمیت دانش‌افزایانه	✓	-	✓	✓	-	✓	✓	✓	-	۶

										شایسته‌سالارانه	
۶	✓	✓	-	✓	✓	-	✓	✓	-	حاکمیت جمع‌سالارانه	۷
۶	-	✓	-	✓	✓	-	✓	✓	✓	حاکمیت مدنی	۸
۲	-	-	✓	-	-	✓	-	-	-	حاکمیت سایبرنتیک‌گرایانه	۹

باتوجه به تأیید هفت مطالعه از مرحله ارزیابی انتقادی، جهت تعیین مضامین فراگیر جهت تمرکز بر سوال‌های مصاحبه برای رسیدن به مضامین پایه و سازمان دهنده، ابعاد اصلی که بیش از نصف پژوهش‌های تأیید شده را کسب نمودند، به عنوان مضامین فراگیر الگوهای بشردوستی حاکمیتی شناسایی شدند. لذا در ادامه براساس مضامین شناسایی شده، همسو با نقشه راه این تحلیل که با اتکاء به پژوهش براون و کلارک (۲۰۰۶) ایجاد گردید، نسبت به شناسایی مضامین پایه و سازمان دهنده اقدام می‌شود. بنابراین در این مرحله به تشریح خلاصه‌ی فرآیندهای طی شده از مصاحبه تا کدگذاری برای ارائه‌ی چارچوب نظری طبق جدول (۷) پرداخته می‌شود.

### جدول ۷. فرآیند شناسایی مضامین پایه و سازمان دهنده

فرآیند	تشریح
مرحله کدگذاری	<p>در این مرحله، باتوجه به مضامین فراگیر، مصاحبه با خبرگان براساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده و تعیین وقت قبلی، به صورت انفرادی آغاز گردید و در حین مصاحبه مباحث مطرح شده یادداشت‌برداری شد. مدت زمان اجرای مصاحبه‌ها تقریباً ۱۳ ساعت بود. لازم به توضیح است، برای افزایش اطمینان در فرآیند کدگذاری باز مفاهیم ایجاد شده، تلاش شد تا سوالات در مصاحبه‌ها تا حد ممکن مجدداً پرسیده شود تا نقطه اشباع تئوریک تعیین گردد. به عبارت دیگر، در این مرحله، محققان با طراحی پروتکلی مبتنی بر ایجاد فضای باز در سوالات اولیه، تلاش نمودند تا رسیدن به کدهای تفکیک شده، سوالات به صورت رفت و برگشت مطرح گردد تا با جلورفتن مصاحبه‌ها، دست محققان این پژوهش برای تخصیص کدهای تعیین‌شده به مضامین پایه و سپس مضامین سازنده باز باشد و در ادامه نسبت به طرح سوالات نیمه‌ساختار یافته برای رسیدن به نقطه اشباع تئوریک اقدام لازم صورت پذیرد. منظور از رفت و برگشتی در کدگذاری باز، بدین معنا است که با استخراج کدهای مفهومی مشترک و با پالایش و حذف موارد تکراری، با بهره‌گیری از مبانی نظری و تطبیق آن‌ها، عمل کاهش این مفاهیم در قالب مقوله‌های فرعی، سازماندهی شود. لذا این فرآیند آنقدر ادامه یافت تا نقطه اشباع تئوریک تعیین گردد و پس از آنکه اطمینان حاصل می‌شد، مصاحبه‌ها</p>



فرآیند	تشریح
	<p>کد جدیدی ایجاد نمی‌کنند، پایان مصاحبه اعلام گردید.</p>
مرحله مضمون‌یابی	<p>در این مرحله، مضامین پس از کدگذاری بر اساس مرتب‌نمودن کدهای مشابه، در مضامین سازمان‌دهنده جایگذاری شدند. مضامین سازمان‌دهنده شامل مضامین حاصل از ترکیب و تلخیص مضامین پایه‌ای است که بر اساس کدگذاری و از طریق مصاحبه‌ها ایجاد شده‌اند. بر اساس مرور مفاهیم مشابه در کدهای پایه زمینه تشخیص و تخصیص مضامین هم مفهوم به یک مفهوم مشترک در یک کد مشخص، این مرحله به سرانجام می‌رسد.</p>
مرحله تفکیک مضامین	<p>در این مرحله، مضامین فراگیر شناسایی شده در فرآیند مرور پژوهش، مجدداً بر اساس مضامین سازمان‌دهنده بررسی می‌شود که آیا مصاحبه‌ها این مضامین را تأیید می‌نمایند و یا مضامین جدیدی امکان ایجاد دارند. لذا می‌بایست بیان نمود، کلیه ابعاد مضامین سازمان‌دهنده به واحدی بزرگتر در قالب مضامین فراگیر تفکیک می‌شوند و انتخاب نام آن‌ها بر اساس ابعاد نظری یا استانداردهای مرتبط با پدیده مورد بررسی ملموس می‌گردد.</p>

پس از تشریح فرآیند تحلیل تم، در گام آخر طبق چارچوب نظری شکل (۶) نسبت به ارائه‌ی ابعاد ساختار حاکمیت بشردوستانه اقدام شد.



شکل ۶. چارچوب زمینه‌های ساختاری حاکمیت بشردوستانه

باتوجه به چارچوب نظری پژوهش همانطور که مشخص است، این مدل شامل ۳ مضمون فراگیر و ۶ مضمون سازمان‌دهنده و ۳۶ مضمون پایه مفهومی می‌باشد. تحلیل دلفی به عنوان حلقه پیوند بین تحلیل کیفی و کمی محسوب می‌شود، چراکه از طریق ارزیابی پایایی ابعاد مدل طراحی

شده، اجازه تبیین مولفه‌های مدل را در قالب ابزارهای مورد نظر پژوهش در جامعه هدف در بخش کمی می‌دهد. در این مطالعه جهت برازش پایایی مولفه‌های اصلی مدل ارائه شده از تحلیل دلفی فازی استفاده شده است. این تحلیل براساس حد فاصل دو میانگین فازی، نسبت به ارزیابی ابعاد مدل اقدام می‌نماید. این تحلیل پنج مقیاس زبان فازی را پوشش می‌دهد و از خبرگان خواسته شده تا به هریک از مولفه‌ها براساس مقوله‌ی آن امتیاز داده شود. به منظور چیدمان صحیح در جدول، هریک از مضامین از P1 تا P6 کدبندی اختصاری شدند.

جدول ۹. تحلیل دلفی مولفه‌های اصلی پژوهش

نتیجه	اختلاف میانگین	میانگین غیرفازی	Min	Max	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	ارزش زبانی	معیارها	ساختمان حاکمیت بشر دوستانه
					۱	۳	۵	۷	۹	ارزش عددی		
					(۳،۱،۰)	(۵،۳،۱)	(۷،۵،۳)	(۹،۷،۵)	(۱۰،۹،۷)	زمینه‌ها		
تأیید	۰/۰۳	۹/۲۵	۷/۷۵	۹/۵۵	۰	۰	۰	۱	۱۱	P1	رویکرد حمایت از سهامداران	
تأیید	۰/۱۴	۷/۳۰	۷/۰۵	۸/۸۰	۰	۰	۰	۳	۹	P2	رویکرد شهروند شرکتی	
تأیید	۰/۱۲	۷/۲۵	۶/۹۰	۸/۷۵	۰	۰	۲	۲	۸	P3	رویکرد نظارت‌های ساختاری	
تأیید	۰/۱۵	۸/۰۸	۷/۲۵	۹/۴۵	۰	۰	۰	۲	۱۰	P4		
تأیید	۰/۱۱	۷/۲۵	۷/۰۲	۸/۷۰	۰	۰	۰	۴	۸	P5		
تأیید	۰/۱۷	۸/۱۰	۷/۳۰	۹/۴۵	۰	۰	۰	۲	۱۰	P6		

با توجه به دیدگاه‌های ارائه شده در مرحله اول و مقایسه آن با نتایج این مرحله، در صورتی که اختلاف بین دو مرحله کمتر از حد آستانه ۰/۲ باشد در این صورت فرآیند نظرسنجی متوقف می‌شود. همانگونه که جدول (۸) مشاهده می‌شود، مشخص گردید، تمامی مولفه‌های شناسایی شده در مرحله کیفی مورد تأیید می‌باشد و اجماع نظری حاصل شده است. با توجه به این نتیجه در ادامه می‌بایست جهت تعیین محرک‌ها و پیامدهای ابعاد شناسایی و مورد تأیید قرار گرفته از تحلیل بازنمایی سیستماتیک استفاده شد. به عبارت دیگر، پس از مشخص کردن ابعاد ساختار حاکمیت بشردوستانه می‌بایست نسبت به مشخص نمودن پیوند درونی بین محورهای جهت پاسخ به سوال چهارم مطالعه مبنی بر تعیین پیامدها و محرک‌های ساختار حاکمیت بشردوستانه در بستر کارکردهای شرکت‌های بازار سرمایه، از این تحلیل استفاده نمود. در واقع روابط پیوندهای درونی

براساس تعیین جهت تاثیرگذاری ابعاد بر یکدیگر براساس چک‌لیست ماتریسی انجام می‌پذیرد و در تحلیل روابط درونی سیستمی محقق با استفاده از تفسیر جهت رابطه از پیکان رو به بالا یا رو به چپ استفاده می‌نماید. از دو علامت پیکان به سمت رو به بالا و رو به چپ به‌عنوان یک مبنای تحلیلی و دارای بار معنایی استفاده می‌کنند. بر این اساس دو جهت یادشده پیکان دارای معنا و مفهومی مشخص در این تحلیل می‌باشد که تعریف آن در جدول (۱۰) ارائه شده است:

جدول (۱۰) تعریف جهت پیکان‌های در تحلیل روابط درونی پیوندها

جهت پیکان		تشریح جهت
↑	جهت پیکان رو به بالا	جهت پیکان در سمت رو به بالا نشان دهنده خروجی‌های سیستم می‌باشد و بیان‌کننده سطر عامل و دلالت‌کننده بر ستون می‌باشد.
←	جهت پیکان رو به سمت چپ	جهت پیکان در سمت چپ نشان‌دهنده ورودی‌های سیستم می‌باشد و بیان می‌کند معیار ستون عامل و دلالت‌کننده بر سطر می‌باشد.

لذا باتوجه به پرسشنامه ارائه شده در جدول (۱۱) می‌بایست نسبت به سنجش روابط پیوندهای درونی معیارهای شناسایی شده اقدام نمود.

جدول ۱۱. چک‌لیست ماتریسی روابط هریک از ابعاد پژوهش

نماد	P1	P2	P3	P4	P5	P6
P1	حاکمیت مدنیت‌گرایانه					
P2	حاکمیت جمع‌سالارانه					
P3	حاکمیت سیستماتیک‌گرایانه					
P4	حاکمیت دانش‌افزای‌گرایانه					
P5	حاکمیت شبکه‌گرایانه					
P6	حاکمیت شایسته‌سالارانه					

براساس چک لیست طراحی شده، از هریک از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا براساس فرآیند تحلیلی ارتباط مولفه‌ی سطر «i» با مولفه‌ی ستون «j» را براساس سه ماهیت اعداد ترتیبی «۱»، «۲»، «۳» امتیاز بندی نمایند. عدد «۱» به معنای اثر مستقیم سطر «i» بر ستون «j»

می‌باشد؛ عدد «۲» به معنای اثر معکوس یا اثر ستون «*j*» بر سطر «*i*» می‌باشد و عدد «۳» به معنای عدم وجود تأثیر در سطر «*i*» و ستون «*j*» با یکدیگر می‌باشد. پس از تعیین بالاترین توزیع فراوانی مربوط به ارتباط هریک از مولفه‌ها، اعداد به صورت فلش مشخص می‌شوند. به طوریکه اگر بالاترین توزیع فراوانی یک مولفه در سطر و ستون عدد «۱» بود، از علامت فلش «←» استفاده می‌شود؛ اگر بالاترین توزیع فراوانی یک مولفه در سطر و ستون عدد «۲» بود، از علامت فلش «→» استفاده می‌شود و اگر بالاترین توزیع فراوانی در مورد مولفه‌ای عدد «۳» بود از علامت «⊙» استفاده می‌شود. لذا با عنایت به توضیح‌های ارائه شده، در این مرحله می‌بایست به شناسایی پیوندهای درونی اقدام نمود و نیز جدول (۱۲) تأثیرگذاری‌های سیستمی را ترسیم کرد. کدگذاری مفاهیم پیوندهای درونی نیز در همین مرحله انجام شد. در این بخش براساس توضیح‌های داده شده و با استناد به ابعاد شناسایی شده، اقدام به انجام تحلیل روابط پیوندهای درونی جهت مشخص نمودن محرک‌ترین و پیامدترین مضامین سازمان دهنده می‌شود.

### جدول ۱۲. روابط پیوندی مضامین سازمان دهنده ساختار حاکمیت بشردوستانه

■ سطح اول/تحلیل پیوند حاکمیت مدنیت‌گرایانه					
فراوانی	شاخص سطر	سطر بر	ستون بر	بدون	شاخص ستون
		ستون	سطر	ارتباط	
		←	→	⊙	
۸	حاکمیت مدنیت‌گرایانه	←	-	-	حاکمیت جمع‌سالارانه
۸	حاکمیت مدنیت‌گرایانه	←	-	-	حاکمیت سیستماتیک‌گرایانه
۹	حاکمیت مدنیت‌گرایانه	-	→	-	حاکمیت دانش‌افزای‌گرایانه
۷	حاکمیت مدنیت‌گرایانه	-	→	-	حاکمیت شبکه‌گرایانه
۸	حاکمیت مدنیت‌گرایانه	-	→	-	حاکمیت شایسته‌سالارانه
■ سطح دوم/تحلیل پیوند حاکمیت جمع‌سالارانه					
۸	حاکمیت جمع‌سالارانه	←	-	-	حاکمیت سیستماتیک‌گرایانه
۸	حاکمیت جمع‌سالارانه	-	→	-	حاکمیت دانش‌افزای‌گرایانه
۷	حاکمیت جمع‌سالارانه	-	→	-	حاکمیت شبکه‌گرایانه

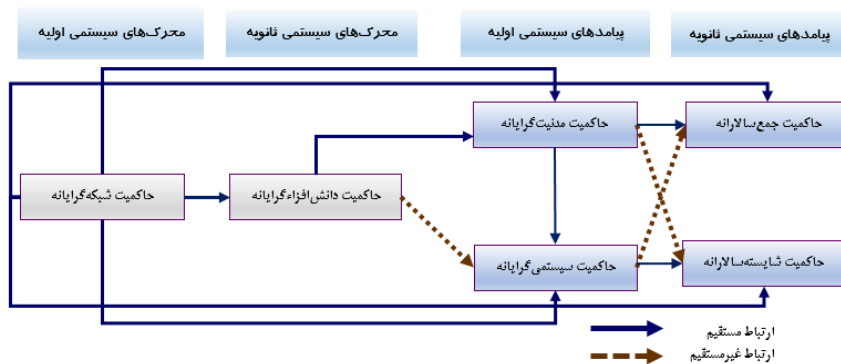
۸	حاکمیت شایسته‌سالارانه	⊖	-	-	حاکمیت جمع‌سالارانه
<b>■ سطح سوم/تحلیل پیوند حاکمیت سیستماتیک‌گرایانه</b>					
۶	حاکمیت دانش‌افزایانه	-	-	←	حاکمیت سیستماتیک‌گرایانه
۸	حاکمیت شبکه‌گرایانه	-	→	-	حاکمیت سیستماتیک‌گرایانه
۸	حاکمیت شایسته‌سالارانه	-	-	←	حاکمیت سیستماتیک‌گرایانه
<b>■ سطح چهارم/تحلیل پیوند حاکمیت دانش‌افزایانه</b>					
۹	حاکمیت شبکه‌گرایانه	-	→	-	حاکمیت دانش‌افزایانه
۷	حاکمیت شایسته‌سالارانه	-	-	←	حاکمیت دانش‌افزایانه
<b>■ سطح پنجم/تحلیل پیوند حاکمیت شبکه‌گرایانه</b>					
۷	حاکمیت شایسته‌سالارانه	-	-	←	حاکمیت شبکه‌گرایانه

باتوجه به ارتباط درونی بین مضامین سازمان دهنده‌ی ساختار حاکمیت بشردوستانه، اقدام به ایجاد روابط پیوند درونی براساس اختصاص کدهایی از P1 تا P6 می‌شود تا براساس آن پیامدها و محرک‌ها مشخص گردد.

جدول ۱۳. خروجی و ورودی مضامین سازمان دهنده ساختار حاکمیت بشردوستانه

مبین	دلتا	ورودی	خروجی	P6	P5	P4	P3	P2	P1	
پیامد	-۱	۳	۲	←	←	←	↑	↑	•	P1 حاکمیت مدنیت‌گرایانه
پیامد	-۲	۳	۱	-	←	←	↑	•	←	P2 حاکمیت جمع‌سالارانه
پیامد	-۱	۳	۲	↑	←	↑	•	←	←	P3 حاکمیت سیستماتیک‌گرایانه
محرک	۱	۲	۳	↑	←	•	←	↑	↑	P4 حاکمیت دانش‌افزایانه
محرک	۴	۰	۴	↑	•	↑	↑	↑	↑	P5 حاکمیت شبکه‌گرایانه
پیامد	-۲	۳	۱	•	←	←	←	-	↑	P6 حاکمیت شایسته‌سالارانه

در آخرین مرحله تجزیه و تحلیل مضامین سازمان دهنده ساختار حاکمیت بشردوستانه نتایج اثرگذاری‌های سیستمی در نمودار ترسیم می‌شود. برای ترسیم این نمودار، نخست محرک‌های سیستم را در یک سمت و پیامدهای سیستم را در سمت دیگر در قالب جعبه‌های پیوندهای درونی قرار می‌گیرند. برای این منظور براساس تحلیل جهت پیکان‌ها عمل می‌شود. در جدول (۱۳) پیکان‌های سمت ورودی‌های سیستم و پیکان‌های رو به بالا خروجی‌های سیستم خوانش می‌شوند. تفریق مجموع تعداد خروجی‌های سیستم از ورودی‌های سیستم دلتای سیستم را نشان می‌دهد که در صورتی که این عدد مثبت باشد و خروجی‌ها بیش از ورودی‌ها باشد، آن عدد محرک سیستمی خوانش می‌شود و در صورتی که تعداد ورودی‌ها بیش از تعداد خروجی‌ها باشد و دلتای سیستم منفی شود، به این عدد پیامد سیستمی گفته می‌شود. در واقع این عدد میزان اثرگذاری مضامین را در کلیت سیستم نشان می‌دهد و فهم آن در خوانش مبتنی بر واقعیات سیستمی سهم به سزایی خواهد داشت. مرحله بعدی، پس از چینش مناسب این جعبه مؤلفه‌های پیوند درونی، نشان دادن ارتباط بین آن‌ها با خطوط نمایانگر ارتباط است که این خطوط می‌توانند به دو دسته نمایانگر ارتباط مستقیم و نمایانگر ارتباط غیرمستقیم تقسیم شوند.



شکل ۷. مدل بازنمایی سیستماتیک مضامین سازمان دهنده ساختار حاکمیت بشردوستانه

براساس الگوی بازنمایی سیستماتیک مشخص گردید، ساختار حاکمیت شبکه‌گرایانه در حاکمیت بشردوستانه محرک‌آمیزترین تغییر زمینه‌ای در ساختار حاکمیت شرکت‌های بازار سرمایه برای ارتقاء سطح مشروعیت و اعتماد اجتماعی تلقی می‌شود که می‌تواند دو پیامد جمع‌سالارانه و

شایسته‌سالارانه در ساختار حاکمیت بشردوستانه را در پی داشته باشد. همانطور که مشخص است، پیوند ارتباطی بین محرک‌ها و پیامدها از شدت اثر بالایی برخوردار است، زیرا به غیر از سه رابطه پیوندی که دارای اثر غیرمستقیم می‌باشند، باقی روابط پیوندی از اثرگذاری مستقیم بر روی یکدیگر برخوردار هستند. همچنین مشخص شد، تمامی محرک‌های اولیه و ثانویه، بر پیامدهای سیستمی اولیه اثرگذار است که نشان می‌دهد، ابعاد شناسایی شده به لحاظ سیستمی از قدرت وابستگی و نفوذ متوازی در ساختار حاکمیتی بشر دوستانه برخوردار می‌باشند.

### ۵. بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه شناسایی زمینه‌های حاکمیت بشردوستانه و بازنمایی سیستمی کارکردهای آن در شرکت‌های بازار سرمایه می‌باشد. در این مطالعه باتوجه به فقدان ترکیب منسجم از زمینه‌های حاکمیت شرکتی بشردوستانه در مطالعه‌های گذشته، تلاش گردید تا از طریق تحلیل تم نسبت به شناسایی ابعاد این حوزه اقدام شود. لذا طی فرآیندهای این تحلیل مجموعاً سه مضمون فراگیر؛ شش مضمون سازمان دهنده و سی و شش مضمون پایه از ۱۲ مصاحبه انجام شده طبق جدول (۶) و شکل (۶) شناسایی شد. در ادامه باهدف سنجش پایایی مضامین سازمان دهنده شناسایی شده، جهت تبیین آن در بستر کارکردهای شرکت‌های بازار سرمایه، از تحلیل دلفی فازی استفاده شد و براساس ارزیابی میانگین فاز اول و دوم دلفی، مشخص گردید تمامی ابعاد به دلیل اینکه اختلاف کمتر از ۰/۲ را داشتند، مورد تأیید قرار گرفتند و از این طریق امکان سنجش آن از طریق تحلیل بازنمایی سیستمی مهیا گردید. در ادامه براساس سوال دوم پژوهش تلاش شد تا پیامدها و محرک‌های زمینه‌ای توسعه‌ی حاکمیت بشردوستانه در بستر کارکردهای شرکت‌های بازار سرمایه مشخص گردد. بنابراین از طریق تحلیل ماتریس روابط پیوندی و مشخص نمودن ورودی و خروجی ساختار حاکمیت بشردوستانه، نمودار بازنمایی سیستمی ترسیم گردید تا بتوان براساس آن، بحث و استدلال لازم در این حوزه را ارائه داد.

همانطور که نتیجه بازنمایی سیستمی طبق شکل (۷) نشان داد، ساختاری مبتنی بر شبکه‌گرایی محرک‌آمیزترین محور ساختار حاکمیت شرکتی بشردوستانه در سطح شرکت‌های بازار سرمایه تلقی می‌شود که می‌تواند در پیشبرد اهداف شهروند شرکتی مؤثر باشد. ویژگی شبکه‌گرایی در ساختار حاکمیتی به عنوان یکی از ارکان توسعه رویکرد شهروندی در بشردوستی راهبری شرکتی است که به دلیل پویایی ارتباطات درون سازمانی و وجود حمایت ادراک شده از کارکردهای

نظارتی در این ساختار، می‌تواند در افزایش اثربخشی حفاظت از منافع ذینفعان در درون و بیرون شرکت موثر باشد. به عبارت دیگر حاکمیت شبکه‌گرایانه بخش مهمی از بشردوستی شرکتی محسوب می‌شود که به واسطه‌ی تعاملات متعالی حاکمیت شرکتی در درون شرکت و پیوند آن با منافع ذینفعان بیرونی، باعث خواهد شد تا سطح برآورده نمودن مطلوب انتظارات به ارتقاء سطح رضایت ذینفعان از عملکردهای شرکت منجر شود. از طرف دیگر حاکمیت شبکه‌گرایانه به واسطه‌ی چابکی ساختاری خود در نظارت‌های حاکمیت شرکتی، با تکیه بر تقویت اعتماد سازمانی، سطح یادگیری و دانش تخصصی را توسعه می‌بخشد و برای حل مسائل شرکت به ویژه مسائل مربوط به ذینفعان، کارکردهایی را توسعه می‌دهد تا کمترین هزینه به سهامداران تحمیل گردد. در نهایت نیز باید بیان نمود، حاکمیت شبکه‌گرایانه براساس کاهش رسمیت ساختاری برخلاف نظریه‌های کلاسیک حاکمیت شرکتی، به دنبال شکوفایی استعدادها و ارتقای مشارکت درون با بیرون شرکت می‌باشند تا از این طریق حد فاصل بازده مورد انتظار با بازده واقعی کاهش یابد و این موضوع، به افزایش ظرفیت‌های تأمین منابع مالی مورد نیاز آتی شرکت از طریق سهم بیشتر عرضه سهام شرکت در سبد سرمایه‌گذاران منجر شود.

از طرف دیگر مشخص گردید، ویژگی‌های زمینه‌ای جمع‌سالاری و شایسته‌سالاری مهمترین پیامدهای توسعه ساختار حاکمیت بشردوستانه در سطح شرکت‌های بازار سرمایه تلقی می‌شود. در واقع حاکمیت شبکه‌گرایانه به دلیل تعاملات اثربخش شرکت با ذینفعان باعث می‌شود تا ساختارهای مبتنی بر حاکمیت جمع‌سالارانه که اشاره به مشارکت و تصمیم‌گیری مبتنی بر حفاظت از منافع تمامی ذینفعان دارد، تقویت شود و شرکت در مسیر احترام به حقوق ذینفعان از ارزش‌های اجتماعی بالاتری برخوردار باشد. از طرف دیگر رویکرد شایسته‌سالارانه که به اصل برتر سالاری در شیوه‌ی اداره‌ی حاکمیت شرکتی اشاره دارد، پیامدی است که شرکت‌های دارای ساختار حاکمیت بشردوستانه از طریق آن تلاش می‌نمایند تا با هدف تقویت ترکیب شایسته‌ای از اعضای هیئت مدیره، افرادی را به انتصاب هیئت مدیره و مدیریت شرکت منصوب نمایند که به لحاظ ساختاری از قابلیت‌های نظارتی اثربخش‌تری برای جلوگیری از مشکلات مربوط به افشاء اطلاعات و شیوه‌ی انعکاس اخبار و اطلاعات به ذینفعان اعم از سهامداران و ناظران نهادی برخوردار باشند. نتایج کسب شده در این مطالعه اگرچه به لحاظ محتوایی و تحلیلی، به دلیل فقدان پژوهش‌های گذشته امکان مقایسه مصداقی ندارد، اما با توجه به ماهیت غربالگری محتوایی برای شناسایی مضامین فراگیر، نتایج این مطالعه را می‌توان با پژوهش‌های وندی و همکاران (۲۰۲۲)؛ هریس و



تومبی (۲۰۲۰)؛ وان و همکاران (۲۰۲۰)؛ چا و همکاران (۲۰۲۳) و زرین‌نگار و همکاران (۱۳۹۷) مشابه تلقی نمود.

باتوجه به تعیین محرک‌ها و پیامدهای سیستمی ساختار حاکمیت بشردوستانه به سیاستگذاران و مالکان شرکت‌های بازار سرمایه توصیه می‌شود تا در ساختار نظام راهبری شرکتی به انسجام و یکپارچگی پاسخگویی به انتظارات ذینفعان پایبندی بیشتری داشته باشند. زیرا این ویژگی در مکانیزم‌های ساختار نظارتی ضمن اینکه می‌تواند به کاهش شکاف هزینه‌های نمایندگی کمک نماید، در عین حال جذابیت‌های سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه را توسعه می‌بخشد. زیرا با اولویت‌دادن به منافع ذینفعان، اعتماد به شرکت در یک بازار رقابتی از جانب سهامداران و سرمایه‌گذاران افزایش می‌یابد و در نهایت باعث خواهد شد تا کیفیت افشاء اطلاعات به واسطه‌ی چابکی ساختار گزارشگری مالی ارتقاء یابد. لذا هیئت‌مدیره به عنوان بخش مهمی از ساختار شرکت، با تغییر در مکانیزم‌های نظارتی بر عملکردهای سازمانی، به پویایی بیشتر ارتباطات در درون سازمان جهت برآورده نمودن انتظارات سهامداران اقدام می‌کنند. برای این منظور کاهش رسمیت سازمانی و غیرمتمرکز نمودن تصمیم‌های سازمانی می‌تواند گام مهمی در ایجاد اعتماد سازمانی گردد.

### محدودیت‌ها و پیشنهادهای آتی پژوهش

این مطالعه همچون مطالعه‌های مشابه دارای رویکرد ترکیبی در جمع‌آوری داده‌های پژوهش، دارای محدودیت‌هایی به ترتیب زیر می‌باشد.

اولاً اینکه باتوجه به انجام مصاحبه در تحلیل مضمون برای شناسایی ابعاد حاکمیت شرکتی بشردوستانه، ممکن است، تمامی جنبه‌های آن به دلیل تفاسیر ذهنی خبرگان پوشش داده نشده باشد که اجتناب از این محدودیت ذاتی در این نوع از تحلیل‌ها، تاحدی غیرقابل کنترل می‌باشد. هرچند تلاش شده تا با طرح سوال‌های مصاحبه به صورت رفت و برگشت، کدهای شناسایی شده به طور نسبی پوشش دهنده‌ی موضوع مورد بررسی باشد. ثانیاً تعداد کم مشارکت‌کنندگان در تحلیل بازنمایی سیستمی می‌تواند به عنوان محدودیت دیگر این مطالعه اشاره شود که باتوجه به ارجاع پژوهش‌های مشابه نیز، با رعایت دستورالعمل‌های تحلیل تلاش شد تا این محدودیت نیز کنترل گردد. لذا باتوجه به محدودیت‌های مطرح شده می‌توان برای پژوهش‌های آتی موضوع‌های پیشنهادی زیر را مطرح نمود:

بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بشردوستانه بر کیفیت گزارشگری مالی  
 اولویت‌بندی ابعاد حاکمیت شرکتی بشردوستانه براساس تحلیل رتبه‌بندی تفسیری در بستر  
 شرکت‌های بازار سرمایه  
 همانطور که مشاهده می‌شود، دو موضوع پیشنهادی با اتکاء به یافته‌های این مطالعه می‌تواند  
 تاحدی ضعف‌های تحلیلی این پژوهش را پوشش دهد.

### یادداشت‌ها

- |                            |                            |
|----------------------------|----------------------------|
| 1. Governance Philanthropy | 2. Chih                    |
| 3. Boesso and Cerbioni     | 4. Tshabalala              |
| 5. DNA                     | 6. Eikenberry              |
| 7. Verger et al.           | 8. Ananzeh et al.          |
| 9. Abebe and Cha           | 10. Yu                     |
| 11. Zou et al.             | 12. Win – Win              |
| 13. Chai et al.            | 14. Nakamaki et al.        |
| 15. Grine et al.           | 16. Qi et al.              |
| 17. Kaur & Sharma          | 18. Cha et al.             |
| 19. Ilyas et al.           | 20. Information gatekeeper |
| 21. Plant et al.           | 22. Northcutt & McCoy      |
| 23. Wastell                | 24. Affinities             |
۲۵. در روند «IQA» اجزاء معنای یک پدیدار، پیوندهای درونی نامیده می‌شوند.
- |                        |                       |
|------------------------|-----------------------|
| 26. Intrinsic Bias     | 27. Jonsen and Jehn   |
| 28. Lawshe             | 29. Attride- stirling |
| 30. Braun & Clarke     | 31. Harris & Twomey   |
| 32. Chizema & Pogrebna |                       |

### منابع

#### الف. فارسی

- اشرفی، مجید، عباسی، ابراهیم. (۱۴۰۱). رفتار بشردوستانه شرکت و کارایی سرمایه‌گذاری، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۴(۵۵)، ۵۵-۷۶.
- پیروزمند، علیرضا، خورشیدی، محمد. (۱۳۹۸). مولفه‌های ساختاری بشردوستی سازی اسلامی (با رویکرد آینده پژوهی)، نشریه مطالعات بنیادین بشردوستی نوین اسلامی، ۲(۱)، ۳۲۹-۳۵۸.
- تقی‌زاده خانقاه، وحید، بادآور نهندی، یونس، متقی، علی‌اصغر، تقی‌زاده، هوشنگ. (۱۳۹۸). ارتباط

- بین بشردوستی شرکتی و کارایی سرمایه‌گذاری با تاکید بر مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، حسابداری مدیریت، ۱۲(۴۳)، ۱-۱۶.
- جلالی، رستم. (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی، مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۱(۴)، ۳۱۰-۳۲۰.
- خدای، سهیلا، گلپایگانی، احمد. (۱۳۹۹). رابطه میان کدهای اخلاقی و عملکرد پایدار سازمانی: با تاکید بر نقش بشردوستی، اخلاق در علوم و فناوری، ۱۵(۴)، ۶۱-۵۴.
- صادق، محمدهادی، پرچمی‌سرقین، مریم، تاج‌الدینی، محمدحسین. (۱۴۰۲). نقش حاکمیت شرکتی بر موفقیت سرمایه‌گذاری‌های مشترک بین‌المللی، فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی، ۱۴(۵۴)، ۶۱-۸۰.
- محمدی، سجاد، صالحی، اله‌کرم، کوهبر، محمدامین. (۱۴۰۱). طراحی مدل سبک‌های شناختی حسابرسان و ارزیابی محورهای شناسایی شده در حرفه حسابرسی، پیشرفت‌های حسابداری، ۱۴(۲): ۲۱-۴۱.
- رنجبر، هادی، حق‌دوست، علی‌اکبر، صلصالی، مهوش، خوشدل، علیرضا، سلیمانی، محمدعلی، بهرامی، نسیم. (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع، مجله دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۳(۱۰)، ۲۳۸-۲۵۰.
- زرین‌نگار، محمدجعفر، فانی، علی‌اصغر، دانایی‌فرد، حسن، دلخواه، جلیل. (۱۳۹۷). واکاوی و تبیین بشردوستی سازمانی در سازمان‌های دولتی ایران، مدیریت دولتی، ۱۰(۱)، ۸۹-۱۰۸.
- سحری، محمدرضا، پورزمانی، زهرا. (۱۴۰۱). تبیین الگوی ویژگی‌های حاکمیت شرکتی با محوریت حسابداری مدیریت استراتژیک و حسابداری مدیریت، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۴(۵۵)، ۱۲۱-۱۴۴.
- شفیع‌زاده، بهاره، حسینی، سیدعلی، رحمانی، علی، سلطانی، محمد. (۱۳۹۷). نقش گزارشگری مالی، شفافیت و راهبری شرکتی در حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۱۱(۴۲)، ۷۴-۹۵.
- مدهوش، محمود، صفری‌گرایی، مهدی، رضانی، جواد، بابایی‌خلیلی، جواد، خلیل‌پور، مهدی. (۱۴۰۱). آینده پژوهی حسابداری حقوق بشر: رویکرد تحلیل سناریو، پیشرفت‌های حسابداری، ۱۴(۲)، ۷۸-۹۹.

- Abebe, M. and Cha, W. (2018). The effect of firm strategic orientation on corporate philanthropic engagement, *Management Decision*, 56(3), 515-533. <https://doi.org/10.1108/MD-09-2016-0625>
- AL-Abrow, H., Abdullah, H. and Atshan, N. (2019). Effect of organizational integrity and leadership behavior on organizational excellence: Mediator role of work engagement, *International Journal of Organizational Analysis*, 27(4), 972-985. <https://doi.org/10.1108/IJOA-08-2018-1518>
- Ananzeh, H., Al Amosh, H. and Albitar, K. (2022). The effect of corporate governance quality and its mechanisms on firm philanthropic donations: evidence from the UK, *International Journal of Accounting & Information Management*, 30(4), 477-501. <https://doi.org/10.1108/IJAIM-12-2021-0248>
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research, *Qualitative Research*, 1(3), 385-405. <https://doi.org/10.1177/146879410100100307>
- Boesso, G. and Cerbioni, F. (2018). Strategic Philanthropy in Foundations: The Board Members' Perspective, *Hybridity in the Governance and Delivery of Public Services (Studies in Public and Non-Profit Governance, Vol. 7)*, Emerald Publishing Limited, Bingley, 193-213. <https://doi.org/10.1108/S2051-663020180000007006>
- Braun, V, Clarke, V (2006). Using thematic analysis in psychology, *Journals of Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101
- Cha, W., Rew, D. and Jung, J. (2023). Corporate philanthropy and firm performance: the role of corporate strategies, *Society and Business Review*, 18(1), 104-123. <https://doi.org/10.1108/SBR-12-2021-0249>
- Chai, K.-C., Xie, D.-C., Yeh, C.-P., Lan, H.-R., and Cui, Z.-X. (2022). Chinese National Civilized City and Corporate Social Responsibility: Will Civilized City Promote Corporate Social Responsibility? *Appl. Econ. Lett*, 29(7), 593-596. <https://doi.org/10.1080/13504851.2021.1877250>
- Chih, C. (2023). The impact of perceived corporate social responsibility on participating in philanthropic road-running events: a moderated mediation model, *Sport, Business and Management*, <https://doi.org/10.1108/SBM-05-2022-0038>
- Chizema, A., Pogrebna, G. (2019). The impact of government integrity and culture on corporate leadership practices: Evidence from the field and the laboratory, *The Leadership Quarterly*, 30(5), 111-139. <https://doi.org/10.1016/j.leaqua.2019.07.001>
- Eikenberry, A, M. (2006). Philanthropy and governance, *Administrative Theory*

- & Praxis, 28(4), 586-592.
- Grine, F., Bensaid, B. and Zulkifli Mohd Yusoff, M.Y. (2013). Islamic art and the ethos of spirituality within a civilizational context, *Multicultural Education & Technology Journal*, 7(4), 288-300. <https://doi.org/10.1108/METJ-03-2013-0010>
- Harris, D, L., Twomey, T, M. (2020). Economic Democracy: The Role of Privilege in Advancing Civilization, *The American Journal of Economics and Sociology*, 78(5), 1229-1249. <https://doi.org/10.1111/ajes.12304>
- Ilyas, S., Abid, G. and Ashfaq, F. (2023). Enhancing the perceived organizational support, perceived ethical-philanthropic CSR and subjective well-being: the role of ethical leadership, *International Journal of Ethics and Systems*, <https://doi.org/10.1108/IJOES-04-2022-0084>
- Jonsen, K. and Jehn, K.A. (2009). Using triangulation to validate themes in qualitative studies, *Qualitative Research in Organizations and Management*, 4(2): 123-150. <https://doi.org/10.1108/17465640910978391>
- Kaur, J. & Sharma, S. (2014). Developing collaborative organizational culture, ethical workplace climate to enhance employee engagement: An empirical study of retail sector, in changing face of modern retail: the new economic order. Proceedings of international conference on management, Gurgaon, Excel India Publishers, New Delhi.
- Lawshe, CH. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel Psych*, 28(3): 563-75.
- Nakamaki, H., Hioki, K., Mitsui, I., Takeuchi, Y. (2018). Enterprise as an instrument of civilization, an anthropological approach to business administration, <https://doi.org/10.1007/978-4-431-54916-1>
- Neralla, N. (2022). Can corporate governance structure effect on corporate performance: an empirical investigation from Indian companies? *International Journal of Disclosure and Governance*, <https://doi.org/10.1057/s41310-021-00135-z>
- Qi, Zh., Zhang, E., Wang, Ch., Liu, W. (2022). The power of civilization: the role of civilized cities in corporate ESG performance, *Environmental Economics and Management*, 12(3), 1-33. <https://doi.org/10.3389/fenvs.2022.872592>
- Simons, A., Wohlgenannt, I., Weinmann, M., Fleischer, S. (2020). Good gamers, good managers? A proof-of-concept study with Sid Meier's Civilization, *Review of Managerial Science*, <https://doi.org/10.1007/s11846-020-00378-0>
- Tshabalala, S. (2021). The Governance of corporate philanthropy, Huruma

- Bantfu, 2(2), 166-173. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3920012>
- Verger, A., Lubienski, C., Steiner-Khamsi, G. (2016). Philanthropic governance: charitable companies, the commercialization of education and that thing called 'democracy', *World Yearbook of Education: The Global Education Industry*. New York: Routledge.
- Wan, P., Chen, X., Ke, Y. (2020). Does corporate integrity culture matter to corporate social responsibility? Evidence from China, *Journal of Cleaner Production*, 259(20), 1-32. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.120877>
- Wastell, D. G. (2001). Barriers to effective knowledge management: Action research meets grounded theory. *Journal of Systems & Information Technology*, 5(2), 21–35
- Wendry, B., Nimran, U., Utami, H.N., Afrianty, T, W. (2022). The role of good corporate governance in mediating the effect of planning, coordination, supervision, and organizational culture on firm performance and firm sustainability, *Environment, Development and Sustainability*, <https://doi.org/10.1007/s10668-022-02125-9>
- Yu, H.-C. (2020). Corporate philanthropic giving and sustainable development, *Journal of Management Development*, 39(7/8), 837-849. <https://doi.org/10.1108/JMD-11-2019-0479>
- Zou, H., Liang, Z., Qi, G. and Ma, H. (2022). Corporate philanthropic response to the COVID-19 pandemic in China: a dilemma?, *Social Responsibility Journal*, <https://doi.org/10.1108/SRJ-10-2021-0432>